

## دعای روز سوم

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذَّهْنَ وَالتَّنْبِيهَ وَبَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَالتَّمْوِيهِ وَاجْعَلْ لِي  
نَصِيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فِيهِ بِجُودِكَ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ:

خدایا در این روز مرا هوش و بیداری در کار اطاعتت نصیب فرما و از  
سفاهت و جهالت و کارهای باطل دور گردان و از هر چیزی که در این روز  
نازل می‌فرمایی، مرا نصیب بخش. به حق جود و کرمت ای بخشنده‌ترین  
بخشندگان.

### ترجمه منظوم دعا

ای خدا ای صاحب فضل عجیب	کن تو روزی اندر این ماه نجیب
بر من و هم بر عباد مؤمنین	ذهن و استعداد قابل یا حبیب
این عطا را از ره لطف و کرم	بر جمیع قابلین فرما نصیب
هم بی‌آگاهان تو ما را این زمان	بر حقایق چون به هر دردی طیب
دور فرما از سفاهت و جنون	لطف فرما تا شویم اکنون لیب
بر کمال و عقل و ادراکات ما	هر زمان افزوده فرما یا رقیب
کن مقرر بهر من از کل خیر	کاندر این مه آید از بالا و نشیب
می‌دهیمت حق جود خود قسم	یا جواد و یا کریم و یا مثیب

### فقره اول دعا:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذَّهْنَ وَالتَّنْبِيهَ:

خدایا در این روز مرا هوش و بیداری در اطاعتت نصیب فرما.  
 خدایا در این ماه رمضان روزی کن که من هوشیار شوم و حافظه پیدا کنم و از خواب غفلت بیدار شوم! انسان اگر بیدار شود، خیلی لذت می برد.  
 انسان ها در غفلت هستند؛ بنابراین در ماه رمضان از خدا درخواست کنیم که از خواب غفلت بیدار شویم.  
 اشرف مخلوقات، انسان است. عمده چیزی که موجب شرافت انسان شده، نعمت عقل است که به واسطه این عقل همه چیز را درک می کند و به واسطه آن می تواند معرفت پیدا کند و به شناخت برسد.

### علت ضعف حافظه

یکی از نعمت های بزرگ خداوند، ذهن است و علت ضعف ذهن و حافظه، می تواند گناه باشد.  
 مرحوم آیت الله بروجردی گاهی در درس شعرهای سیوطی می خواندند. با اینکه حدود هفتاد الی هشتاد سال از زمانی که سیوطی می خواندند و مجتهد شده بودند، فاصله بود؛ ولی به دلیل دوری از گناه، از حافظه بسیاری قوی برخوردار بودند.

### دعایی برای تقویت حافظه:

پیامبر اکرم ﷺ خطاب به امیرالمؤمنین می فرماید: ای علی! اگر می خواهی هر چیزی را که می شنوی و مطالعه و قرائت می کنی، به خاطر بسپاری، بعد از هر نماز این دعا را بخوان:

«سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَىٰ أَهْلِ مَمْلَكَةٍ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِالْأَوَانِ  
الْعَذَابِ سُبْحَانَ الرَّؤُفِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي نُورًا وَ بَصَرًا وَ فَهْمًا وَ  
عِلْمًا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۱</sup>

### فقره دوم دعا

وَ بَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَ التَّمْوِيهِ:

و از سفاهت و جهالت و کارهای باطل دور گردان.

سفاخت به معنای کار بی‌خردانه و بچه‌گانه است.

در این فقره دعا، از خداوند متعال درخواست می‌کنیم که سفاهت و نادانی و کارهای باطل و سفیهانه را از ما دور گرداند؛ غیبت نکنیم، دروغ نگویم و...

### مفهوم سفاهت و تمویه

اصل سفاهت، خفت و سبکی است و زمام سبک را سفیه گویند.<sup>۲</sup>

سفاخت همچنین به معنای جهالت، حماقت، بیهوده کاری و پوچ‌گرایی نیز می‌آید. سفاخت، نقطه مقابل حکمت است. شخص سفیه، بر خلاف شخص حکیم که آموزش را از روی عقلانیت و با تدبیر و اتقان انجام می‌دهد، رفتار و کردارش غیر منطقی و بدون غایت عقلانی است.

«تمویه» در اصل به معنای زراندود نمودن است. وقتی بخواهند چیزی را زیباتر از آنچه که هست جلوه دهند، پوششی زرین از طلا بر آن می‌گذارند که حقیقت مسین آن را پنهان کنند.

### فرق سفاهت و تمویه

شخص مبتلا به «سفاخت» اساساً از پوچی و بطلان کار خویش بی‌خبر است؛ اما شخص مبتلا به «تمویه»، آگاهانه و فریب‌کارانه، زشتی را زینت داده و تظاهر به خوبی

۱. مفاتیح الجنان؛ تعقیبات مشترکه نماز.

۲. الکشاف؛ ج ۱، ص ۱۸۹.

می‌کند. پس در این فقره از دعا در حقیقت از خداوند می‌خواهیم که ما را در زمره انسان‌های باطل‌گرا، پوچ اندیش و اهل تزویر قرار ندهد.

### ویژگی‌های سفیه در قرآن:

سفیهان در فرهنگ قرآن به کسانی اطلاق می‌شود که:

۱. بهانه‌جویی در برابر حق: «در فرهنگ قرآن، به افرادی که حقایق را نادیده گرفته و کفران نعمت کنند، «سفیه» گفته می‌شود. چنان‌که به بنی‌اسرائیل به دلیل بهانه‌های بی‌موردی که درباره تغییر قبله می‌گرفتند، سفیه گفته شده است: «سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ»<sup>۱</sup>.

همچنین در ذیل آیه «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ»<sup>۲</sup> نیز از امام علی<sup>علیه السلام</sup> نقل شده است که فرمود: کسی که شراب بخورد، سفیه است. چون به جای نوشیدنی‌های مفید و حلال، به سراغ آشامیدنی مضر و حرام می‌رود.

آری، کسانی که راه حق را رها نموده و بی‌راهه می‌روند، سفیه هستند و آن‌کس که در انتخاب رهبر و مکتب قدم درست بردارد، عاقل است.<sup>۳</sup>

۲. رویگردانی از آیین یکتاپرستی: از پذیرش هر امری که مصداق حقیقت باشد (آیین یکتاپرستی اسلام) سرباز می‌زنند.

جز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آیین ابراهیم، (با آن پاکی و درخشندگی) روی‌گردان خواهد شد؟

«وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ...»<sup>۴</sup>.

در آیات قبل از آیه یادشده، بخشی از سیره حضرت ابراهیم<sup>علیه السلام</sup> همچنین برخی کارها و دعاهای آن حضرت، بازگو شده است. قرآن کریم در ادامه آن آیات می‌فرماید: ایمان آوردن به حضرت ابراهیم<sup>علیه السلام</sup> مقتضای حکم عقل است و برای انسان

۱. بقره: ۱۴۲.

۲. نسا: ۵.

۳. تفسیر نور: ج ۱، ص ۲۰۷.

۴. بقره: ۱۳۰.

خِرَدورز چاره‌ای نیست جز پذیرش آیین توحیدی او که به وسیله حضرت ختمی نبوت ﷺ تداوم یافت، چنان‌که عدم پذیرش آن نابخردی و سفاهت محض به شمار می‌آید.<sup>۱</sup>

۳. جاری کردن سخنانی بر خلاف حق و عقل، بر زبان یاوه سرایانه سخنانی که بر خلاف حق و عقل است، بر زبان می‌رانند. از قول جنیان چنین آمده:

«وَ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا»<sup>۲</sup> درباره خدا سخنی دور از حق می‌گفت، مبنی بر اینکه خدا دارای همسر و فرزند است.

کلمه «شَطَط» به معنای سخن دور از حقیقت است.<sup>۳</sup>

تعبیر به «سفیه» در اینجا ممکن است معنی جنسی و جمعی داشته باشد؛ یعنی سفهای ما برای خدا همسر و فرزندان قائل بودند و شبیه و شریکی انتخاب کرده بودند و از راه حق منحرف شده و سخنی به گزاف می‌گفتند.

این احتمال را نیز بسیاری از مفسران داده‌اند که «سفیه» در اینجا همان مفهوم فردی را دارد و اشاره به «ابلیس» است که بعد از مخالفت با فرمان خدا، نسبت‌های ناروایی به ساحت مقدس او داد؛ حتی به دستور پروردگار دایر به سجده بر آدم، رسماً اعتراض کرد و آن را دور از حکمت شمرد و خود را برتر از آدم پنداشت.<sup>۴</sup>

### فقره سوم دعا

وَ اجْعَلْ لِي نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنَزَّلُ فِيهِ: واز هر کار خیری که در

این روز نازل می‌فرمایی، نصیبی به من برسان.

۱. تفسیر تسنیم؛ ج ۷، ص ۱۱۵.

۲. جن: ۴.

۳. راغب اصفهانی؛ المفردات؛ ذیل واژه شَطَط.

۴. تفسیر نمونه؛ ج ۲۵، ص ۱۰۷.

### کوچک نشمردن کار خیر

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»<sup>۱</sup> نماز را برپا دارید و زکات بدهید و بدانید که هر چه از کار خیر برای خود پیش می‌فرستید، آن را نزد خدا خواهید یافت و به تحقیق، خداوند به همه کارهای شما آگاه است.

همچنان که نباید انسان هیچ گناهی را کوچک بشمارد و نادیده بگیرد؛ زیرا ممکن است غضب و سخط الهی در همان گناه باشد؛ ولی از نظر خداوند بزرگ، گو اینکه اگر انسان گناهان را کوچک شمرد، به تدریج قلبش پر از گناه می‌شود و دیگر مجال هدایت و اصلاح برای او نمی‌ماند. به همین منوال است اعمال و کارهای خیر؛ پس ممکن است از نظر ما یک کار خیری کوچک و بی‌ارزش باشد؛ ولی از نظر خداوند، بسیار ارزشمند.

از آن که بگذریم، همین کارهای خیر کوچک است که به تدریج زیاد می‌شود و هر چه بیشتر شود، از گناهان ما کاسته شده و بر ثواب و اجر ما افزوده می‌گردد و به هر حال تمام کارهای خیر ما، چه کوچک و چه بزرگ، در روز قیامت مایه خرسندی و اطمینان خاطر ما است.

پس هیچ کار خیری را نباید کوچک شمرد؛ همچنان که نباید به کارهای خیر، بسیار مغرور شد؛ زیرا قصد قربت و خلوص در هر دو حالت لازم است. تنها چیزی که در اینجا مطرح است این است که ضمن داشتن خوف و هراس از هر گناه کوچکی، انسان باید به هر کار خیر و عمل صالحی که انجام می‌دهد هر چند کوچک امیدوار باشد، ای بسا همان یک کار خیر موجب غفران تمام گناهان انسان گردد و تأمین‌کننده بهشت برین شود.

و در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که می‌فرماید:

«لَا تَصْغُرْ شَيْئاً مِنَ الْخَيْرِ، فَانْكَ تَرَاهُ غَدًا حَيْثُ يَسْرُكُ»: <sup>۱</sup> هیچ کار خیری را کوچک مشمار؛ زیرا فردا آن را به نحوی خواهی دید که مایه خرسندی و خوشحالی باشد.

در آخر آیه آمده است: خداوند به هر کاری که انجام می‌دهید، آگاه است و این جمله برای تأکید بر این مطلب است که خیال نکنید کار خیری از کارهای شما نادیده گرفته و یا به حساب آورده نشود؛ بلکه خداوند تمام کارهایتان را به حساب می‌آورد و از هیچ کوچک و بزرگی فروگذار نخواهد بود. در سوره آل‌عمران آیه ۳۰ نیز همین معنی را می‌بینیم که می‌فرماید:

«يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا»: روزی که هر کس هر چه کار خیر انجام داده است، روبروی خود حاضر ببیند.

در آخر سوره زلزال نیز می‌خوانیم:

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»: هر که به اندازه ذره‌ای کار خیر داشته باشد، آن را خواهد دید و هر که به اندازه ذره‌ای کار بد داشته باشد، آن را خواهد دید.

## آرزوی جبرئیل

برخی امور مهم در زندگی ما وجود دارد که کمتر به آن توجه داریم. انبیا و پیشوایان دینی، یکی از کارهای مهمی که انجام می‌دادند، این بود که مردم را از زبان شخصیت‌های والا و با عظمت به این امور متوجه کنند.

۱. بحارالانوار؛ ج ۷۱، ص ۱۸۲.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«يَا عَلِيُّ! تَمَنَّى جَبْرَيْلُ أَنْ يَكُونَ مِنْ بَنِي آدَمَ بِسَبْعِ خِصَالٍ وَ هِيَ الصَّلَاةُ فِي الْجَمَاعَةِ وَ مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ وَالصُّلْحُ بَيْنَ الْإِثْنَيْنِ وَ إِكْرَامُ الْيَتِيمِ وَ عِيَادَةُ الْمَرِيضِ وَ تَشْيِيعُ الْجَنَازَةِ وَ سَقْيُ الْمَاءِ فِي الْحَجِّ فَأَحْرُصْ عَلَيَّ ذَلِكَ»<sup>۱</sup> ای علی! جبرئیل به سبب هفت خصلت، آرزو داشت که از فرزندان آدم باشد. آن خصلت‌ها عبارت است از:

۱. نماز را به جماعت خواندن؛
۲. همنشینی او با دانشمندان؛
۳. آشتی دادن بین دو نفر؛
۴. احترام و خدمت به یتیم؛
۵. عیادت بیمار؛
۶. تشییع جنازه کردن؛
۷. آب‌دادن در حج.

پس علی جان! بر حفظ این خصلت‌ها حریص باش. حدیث فوق به امور مهمی از عبادات و مسائل اجتماعی و اخلاقی اشاره کرده است.

### خیر دنیا و آخرت

طبق نقل حضرت علی عَلِيٍّ مردی نزد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و عرض کرد: عملی به من یاد بده که با انجام آن محبوب خداوند قرار گیرم و همین‌طور مردم هم مرا دوست بدارند و خداوند مالم را افزایش دهد و بدنم سالم و عمرم طولانی شود و در روز قیامت نیز با خودت [ای رسول خدا] محشور شوم.

«فَقَالَ: سِتُّ خِصَالٍ مُحْتَاجٌ إِلَيْ سِتِّ خِصَالٍ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ اللَّهُ فَخَفُهُ وَ اتَّقِهِ وَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ الْمَخْلُوقُونَ فَأَحْسِنْ إِلَيْهِمْ وَ ارْفُضْ مَا فِي أَيْدِيهِمْ وَ إِذَا

۱. مواظب العبدیه؛ ص ۱۹۵.



أَرَدْتَ أَنْ يُثْرِيَ اللَّهُ مَالَكَ فَزَكَّهُ وَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُصِحَّ اللَّهُ بَدَنَكَ فَأَكْثِرْ مِنَ الصَّدَقَةِ وَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُطِيلَ اللَّهُ عُمُرَكَ فَصِلْ ذَوِي أَرْحَامِكَ وَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَخْشُرَكَ اللَّهُ مَعِيَ فَأَطِلِ السُّجُودَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ: ۱ پس فرمود: شش خصلت است که نیاز به شش خصلت دیگر دارد:

۱. هرگاه خواستی خدا تو را دوست بدارد، از او بترس و تقوای الهی پیشه کن.
۲. هرگاه خواستی مردم تو را دوست بدانند، به آنها احسان کن و به آنچه در دست آنهاست، چشم طمع نداشته باش.
۳. اگر خواستی خداوند، مالت را افزون کند، زکات و خمس مالت را بپرداز.
۴. اگر خواستی خدا بدنت را سالم کند، افزون بر مراعات مسائل بهداشتی، در راه خدا زیاد صدقه بده.
۵. اگر می خواهی خدا عمرت را طولانی کند، با بستگان نسبی ارتباط داشته باش و صلۀ ارحام انجام بده.
۶. اگر می خواهی در روز قیامت خدا تو را با من پیغمبر محشور کند، سجده های نمازت را در پیشگاه خدای یکتای غالب، طولانی کن.

#### نمونه اعمال خیر

«أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ لِأَصْحَابِهِ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ مِنْكُمْ كَمَا تَبَاعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ قَالُوا بَلَى قَالَ الصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ وَ الصَّدَقَةُ تَكْسِرُ ظَهْرَهُ وَ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْمُوَازَرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعُ دَابِرَهُ وَ الْإِسْتِغْفَارُ يَقْطَعُ وَبَيْنَهُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصِّيَامُ»:

رسول خدا ﷺ به اصحاب خود فرمود: آیا به شما خبر ندهم به اعمالی که اگر به آنها عمل کنید، شیطان از شما دور می شود؛ مثل دوربودن مشرق از مغرب؟!

۱. مستدرک الوسائل؛ ج ۴، ص ۴۷۴؛ سفینه البحار؛ ج ۱، ص ۵۹۹ و الحکم الزاهرة؛ ج ۱، ص ۳۷۵.

- اصحاب گفتند: بله یا رسول الله. حضرت فرمودند:
۱. روزه: چرا که روزه، صورت شیطان را سیاه می‌کند. از خدا بخواهیم که در ماه رمضان مریض نشویم و توفیق روزه‌داری داشته باشیم.
  ۲. صدقه: صدقه‌دادن پشت شیطان را می‌شکند.
  ۳. دوستی با خدا.
  ۴. مواظبت بر عمل صالح.
  ۵. استغفار: ریشه شیطان را قطع می‌کند.
- و در آخر حدیث، گفته شده: «لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصِّيَامُ»: هر چیزی زکاتی دارد و زکات بدن‌های شما روزه است.

### فقره چهارم دعا

بِجُودِكَ يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ:

به جود و بخشش خودت، ای کسی که جود و بخشش از همه بخشندگان بیشتر است.

در بین انسان‌ها افرادی یافت می‌شوند که «جواد» یا «کریم» هستند و بذل و بخشش یا کرامت دارند؛ ولی خداوند اجود و اکرم از آنها می‌باشد.

این‌طور نیست که این قیاس موجب هم ردیف قرارگرفتن آنها با خدا باشد؛ زیرا «اجود» توسعه کمی و کیفی در جود دارد، هم بسیار می‌بخشد و هم هرچه می‌بخشد، از خزانه جود و کرم خود اوست. در حالی که «جواد» آنچه را می‌بخشد، از خودش نیست؛ بلکه افاضه الهی است؛ ولی خداوند جودش نامحدود و مستقل است. به همین نحو می‌توان در مورد «کریم» و «اکرم» گفت و به همین نحو صفات دیگر را مطرح کرد.

مثلاً در قرآن، در سوره مؤمنون، خداوند پس از مراحل خلقت انسان فرموده است: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» که در این مقایسه ذکر شده که خداوند احسن و افضل بر همه خالقین است؛ یعنی دیگران هم ممکن است خلق و آفرینش داشته

باشند؛ ولی نه می‌توانند چیزی را از عدم بیافرینند و نه اصل ماده چیزی را بسازند، فقط از مواد موجود در طبیعت استفاده کرده و تغییر شکل می‌دهند؛ ولی خداوند همه آفریدگان و ماده تشکیل‌دهنده وجود آنها را از عدم به وجود آورده و لباس هستی به آنها می‌پوشاند. پس او احسن‌الخالقین است و جمع‌بستن آنها هم به همین معنا می‌باشد.

### دامنه جود و بخشش خداوند

یا أَجُودَ مِنْ كُلِّ جَوَادٍ: ای بخشنده‌تر از هر بخشنده.

یا ذَا الْجُودِ وَالسَّخَاءِ: ای بخشنده و بلندنظر.

یا ذَا الْجُودِ وَالْأَحْسَانِ: ای دارنده بخشش و نیکی.

یا ذَا الْجُودِ وَالنَّعْمِ: ای صاحب بخشش و نعمت.

یا مَنْ أَكْرَمَ بِجُودِهِ: ای کسی که با جود و بخشش، گرامی می‌دارد.

یا مَنْ جَادَ بِلُطْفِهِ: ای کسی که به سبب لطفش، می‌بخشد.

یا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ: ای بخشنده‌ای که تنگ‌نظری نمی‌کند.

### توضیح

جود به معنای سخاوت و بخشنندگی است. کسی که دارای چنین صفتی است، مایل است از آنچه دارد به دیگران ببخشد و آنها را از داشته‌های خویش بهره‌مند سازد و خداوند جواد است، به این معنا که از هیچ‌گونه بخشش و دهشی به مخلوقات و بندگان خود دریغ ندارد.

بالاترین جود و بخشش از پروردگار متعال است؛ بلکه باید گفت تنها جواد حقیقی، خود خداوند است. چه اینکه دیگران اگر دارای جود هستند، اولاً این صفت را خداوند به آنان بخشیده است و ثانیاً آنچه را هم که به وسیله آن جود و بخشش می‌کنند، خداوند به آنان داده است.

جود خداوند آن‌قدر فراوان است که حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مناجات شعبانیه چنین می‌فرماید: **إِلَهِي جُودِكَ بَسَطَ أَمْلِي: بارالها! سخاوت تو آرزوی مرا گسترانیده است.**

یعنی هنگامی که به جود تو می‌نگرم، تحقق آرزوهای خویش را در آن می‌یابم و وسعت جود تو موجب می‌شود که آرزوهای خود را در چیز کوچکی محدود نکنم؛ بلکه آن را تا کرانه‌های ناپیدا برای ادراکات معمولی، بگسترانم.

البته شناختی که اولیای الهی از جود پروردگار متعال دارند و آرزویی که به دنبال آن هستند، با شناخت و آرزوی ما بسیار متفاوت است.

نکته دیگری که جمله یا *أَجُودَ مِنْ كُلِّ جَوَادٍ*، به ما گوشزد می‌کند، آن است که مبدا جود و بخشش دیگران، ما را از خدای خود غافل کند و گمان کنیم که فلان فرد یا فلان گروه، جوادترین افراد هستند؛ پس به دنبال آنان روان شویم و از جودِ آجود موجودات، محروم بمانیم!

برای همین اولیای الهی، تمام خواسته‌های خود را از آن بخشنده کریم طلب می‌کنند. در دعای ابی حمزه ثمالی حضرت سجاد علیه السلام چنین می‌فرماید:

«يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَأَجُودَ مَنْ أَعْطِيَ! أَعْطِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَالِدِيَّ وَوَالِدِي وَأَهْلِي حُزَانَتِي وَإِخْوَانِي فَيْكَ»: ای بهترین درخواست شونده و ای بخشنده‌ترین عطاکننده! خواسته‌هایم را در مورد خودم و بستگانم و والدین و فرزندانم و نزدیکان و برادران دینی‌ام به من عطا کن.

«فَوَعَزْتِكَ يَا سَيِّدِي! لَوْ نَهَرْتَنِي مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّكِكَ، لِمَا أَنْتَهَى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ»: به عزت قسم ای سرورم! که اگر مرا از خود برانی و دور کنی، هرگز از درگاہت نخواهم رفت و از خواهش و تملق به درگاہت دست برنخواهم داشت؛ زیرا به جود و کرمت آگاهم و معرفت آن به من رسیده است.

یا مَنْ جَادَ بِلُطْفِهِ: ای کسی که به سبب لطفش، می‌بخشد. لطف به معنای مهربانی و ملایمت است. این مهربانی، سبب جود و بذل و بخشش می‌شود؛ زیرا وقتی که شخصی نسبت به دیگری لطف داشته و مهربان باشد، سعی می‌کند نیازمندی‌های او را برطرف نماید و از آنچه در توان دارد به او بدهد و ببخشد. واضح است که هر مقدار لطف پروردگار متعال نسبت به بنده‌ای بیشتر باشد، جود الهی نیز نسبت به آن بنده، فزونی خواهد گرفت.

یا جَوَاداً لَا يَبْخُلُ: ای بخشنده‌ای که تنگ‌نظری ندارد.

بخل ضد جود و به معنای تنگ‌نظری و امساک و امتناع است و معلوم است کسی که جواد باشد، هیچ‌گاه بخیل نخواهد بود. اما در مناجات شعبانیه برای آنکه جود الهی شامل حال آدمی شود، یک شرط به این جمله اضافه شده است:

یا جَوَاداً لَا يَبْخُلُ عَمَّنْ رَجَا تَوَابَهُ: ای بخشنده‌ای که از امیدوار به ثوابت، دریغ نمی‌کنی!

یعنی یکی از شرایط لازم برای رسیدن به جود الهی، آن است که آدمی به پاداش و دِهش پروردگار متعال امیدوار باشد. بنابراین کسی که به هر دلیلی از درگاه باری تعالی ناامید است، نمی‌تواند منتظر بخشش خداوند باشد.

به عبارت دیگر دستیابی به جود الهی، مستلزم داشتن یک حالت و قابلیت خاص روحی به نام امید و رجاست؛ زیرا کسی که ناامید از بخشش‌های الهی است، یا خداوند را ناتوان می‌داند و یا خود را به لحاظ گناه مستحق نمی‌داند، که در صورت اول باید ایمان و عقیده خود را اصلاح نماید و در صورت دوم باید موانع را برطرف سازد.

در دعای ابی‌حمزه ثمالی نیز درباره نقش رجا چنین می‌فرماید: وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ اجَابَةٍ.

بارالها! من می‌دانم که تو خواسته کسانی را که امیدوار هستند، اجابت می‌کنی و برآورده می‌سازی.

همچنین در دعای ابی‌حمزه ثمالی، درباره رفتن به سوی جود پروردگار متعال و ترک انسان‌های بخیل، چنین آمده است:

وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ عَوْضاً مِنْ مَنَعِ الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَأَثَرِينَ: بارالها! در نالیدن به درگاه جود و بذلت و راضی بودن به قضا و قدرت، عوضی وجود دارد از ندادن افراد بخیل و بی‌نیازی وجود دارد از آنچه در دست دنیا طلبان است.

یعنی اگر انسان منتظر بخشش پروردگار متعال و راضی به قضا و قدر الهی باشد، هرچند این انتظار و رضایت سخت باشد، آنچه از این رهگذر نصیب انسان می‌شود، بسیار بهتر از آن است که آدمی به انسان‌های بخیل روی آورد و به دنیایی که در دست دیگران است، چشم داشته باشد.

اکنون که سخن از بخل به میان آمد، باید دانست که بخل آدمی، وسعت زیادی دارد و یکی از بدترین بخل‌ها، بخل انسان و صرف‌نکردن سرمایه مالی در انجام کارهای نیک است. در همین رابطه در تعقیب نماز ظهر چنین آمده است:

اللَّهُمَّ.. إِنْ دَامَ بُخْلِي فَانْتَ أَجُودٌ... اللَّهُمَّ وَأَقْمِعْ بُخْلِي بِفَضْلِ جُودِكَ: بارالها!... هرچند من بخیل هستم اما جود تو بیشتر است،... بارالها! بخل مرا به فراوانی جود خودت، از بین ببر.

نگاهی دیگر به جود و کرم خداوند:

در دعای ابی حمزه ثمالی چنین آمده است: حَجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرْأَتِي عَلَى مَسْئَلَتِكَ مَعَ إِيْتَانِي مَا تَكْرَهُ، جُودَكَ وَكَرَمُكَ: بارالها! آنچه موجب می‌شود که من با وجود گناه، باز هم به درگاه تو بیایم و از تو خواسته‌هایم را بطلبم، جود و کرم تو است. یعنی جود و کرم تو آن قدر گسترده است که موجب می‌شود من با تمام کردارهای قبیح و زشتم از تو دست بردارم.